

پر طبل تر از حیات، آنان مرگ را سرودی کردند

محبوبه میرزایی

مقررات زدایی از کشتار، آزاد سازی قیمت خون

آنچه مفت بر کف بازار سیاست های نئولیبرالی ریخته است و حافظان بازار در هر زمان و مکانی به آن برخورد کنند بی‌مهابا می‌ریزند و می‌گذرند، خون است. خون مردمی که جانشان به لب رسیده و نشان کالایی شده است در دکان بازارهای خصوصی بهداشت، آموزش، قراردادهای موقتی کار و غیره، و آن‌جا که با حداقل دستمزد های دریافتی‌شان از پس خرید این تن، به قیمت متورم بازار بر نمی‌آیند، تن در مانده‌شان، چون کالایی بی‌مصرف، به دست کاسب‌کاران لای چرخ‌های مقررات زدوده ی نئولیبرالیسم له می‌شود. و رود خروشان جاری می‌گرداند از خون مردمان، به وسعت آمریکای لاتین تا خاورمیانه.

در اینجا قصد دارم گزارش کوتاهی ارائه دهم از فرایند اعتراضات در دو کشور از مناطق درگیر خیزش‌های خیابانی. هدف به دست دادن فهمی انضمامی از «تجربه ی مردم» و «فرایند اعتراضات» است، بلکه به میانجی آن درک دقیق‌تری از تحلیل‌های مربوط به این فرایندها، وضعیت کنونی خود و نسبت اعتراضات داخلی با آنچه در جهان می‌گذرد حاصل شود. و ابزاری باشد برای بازشناسی پیوندها و تمایزات مقاومت‌های مردمی در کشورهای مختلف با تاکید بر تاثیر موقعیت ویژه‌ی هر یک از این مناطق در شکل دهی و اجرای سیاست‌های نئولیبرالی که با وجود بنیان‌های یکسان‌اش، در هر کجا و در همدستی با شرایط سیاسی-جغرافیایی به نوعی خاص ظاهر می‌شود. به بیان دیگر «عدد راه‌های رسیدن به نظام جهانی به شمار کشورهای است و بر خلاف هیجانانگیز روشنفکران راست‌گرای دهه هشتاد درباره تقدم لیبرالیسم [اقتصادی] بر دموکراسی، اولی را میتوان به زور به کرسی نشاند و دومی را مدام به تاخیر انداخت. [1]»

یک: شیلی

دولت خبر افزایش کرایه‌های حمل و نقل عمومی را منتشر می‌کند. دانش آموزان که خود مستقیماً متاثر از این افزایش قیمت‌ها نیستند، ولی آنچنان که می‌گویند؛ بخاطر خانواده هایشان، با باز کردن ایستگاه‌های مترو جهت ورود بدون کرایه مسافران، دست به اعتراض زدند. پلیس با گاز اشک‌آور به ایستگاه‌های مترو حمله کرد. پس از این برخورد، اعتراضات شدت گرفت. چندین ایستگاه مترو به طرز مشکوکی به آتش کشیده شدند و همین بهانه‌ای شد برای اعلام وضعیت اضطراری. دولت این اقدامات را دست‌آویزی قرار داد تا معترضان را از «مردم» نداند و اعلام کند «این اعتراضات توسط گروه‌های اشرار سازماندهی شده‌اند و این اقدامات به ضرر همه ی شهروندان است». معترضان پیرو اغتشاشگر خوانده شدن توسط دولت، طی ابتکار عملی از ایستگاه‌های مترو و محله‌هایشان دفاع کردند و در نتیجه‌ی این حرکت همبستگی‌شان بیشتر

شد. همچنین در خطابه‌ای دیگر پینیه‌را اظهار کرد «ما در جنگ علیه دشمنی بی رحم و قدرتمند هستیم که احترامی برای هیچ کس و هیچ چیز قائل نیست.» او تنها درباره یک چیز دروغ نمی‌گفت؛ قدرت جمعیتی که در برابرش صف کشیده‌اند.

اعتراضات از مناطق کم درآمدتر، یعنی جایی که مردم مقدار قابل توجهی از درآمدها (حدود 20 درصد) صرف رسیدن به مراکز شهر و یا معادن برای کار می‌شد، شروع شده بود. با سرکوب و خطابه‌های ساختگی دولت، اعتراضات از ایستگاه‌های مترو به تجمعاتی در میدان‌های محلی و سپس اعتراضات سراسری تبدیل شد. در این شرایط دیگر تنها اقشار کم درآمد حضور نداشتند، اتحادیه‌های صنفی نیز دست به اعتصاب زدند و گروه‌های مختلف جامعه وارد میدان شدند. دورا کپدا بکار، فعال سیاسی، راجع به خواسته‌های مطرح شده در این اعتراضات اینچنین می‌گوید: «مردم شروع به بیان خواسته‌هایی کردند که از زمان بازگشت دموکراسی خاموش مانده بود. آنها از حقوق بازنشستگی بخش خصوصی سخن گفتند، جایی که اگرچه مردم کل عمر خود را با یک حقوق مناسب کار می‌کنند اما بازهم در انتها خود را در فقر می‌بینند. این ماجرا درباره نظام سلامت نیز صدق می‌کند، دولت نظام سلامت را از اساس نادیده گرفته‌است.» همچنین توضیح می‌دهد به دلیل کمبود دارو و خدمات ناکارآمد سلامت، 26000 نفر در سال 2018 به علت انتظار طولانی برای درمان جان خود را از دست داده‌اند. [2]

چند روز بعد پینیه‌را شروع به دادن امتیازاتی از جمله؛ بازگرداندن افزایش کرایه‌های حمل و نقل و پیشنهاد برنامه اجتماعی جدیدی که شامل اصلاح حقوق بازنشستگی، بیمه سلامت و حداقل دستمزد بود، کرد. از آنجا که تغییرات حاصل از این اصلاحات هیچ گره‌ای از دردهای معترضان باز نمی‌کرد، اگر امیدی هم به تغییرات اساسی توسط حاکمیت موجود داشتند، از بین رفت. شیلی پس از اعلام این اصلاحات، بزرگ‌ترین موج اعتراضات را شاهد بود. در میان شعارها و مطالبات مختلف آن چه مشترک بود خواست معترضان مبنی بر استعفای رییس جمهور، پیش نویس یک قانون اساسی جدید، رسانه‌های مردمی و پاسخگویی در برابر خشونت پلیس و ارتش بود.

دو: عراق

سه دهه پس از تجربه اقتصادی پینوشه، مکتب شیکاگو همچنان دست در دست سیاست‌های خارجی آمریکا و با اعمال شوک و تعلیق وضعیت موجود به واسطه بحران، راه خود را به اطراف جهان از جمله عراق باز کرد.

پس از واقعه یازده سپتامبر، آمریکا با توصل به توجیهات مختلف، حمله‌ی مرعوب کننده و صاعقه‌آسایی را به عراق شروع کرد. مردم بعد از این حملات دست به اعتراضات گسترده‌ای زدند و خواستار برگزاری انتخابات شدند. پاسخ چیزی جز کشتار، ناپدید شدن معترضان و هزاران هزار زندانی نبود. پس از اشغال عراق،

در می 2003 پاول برمر به عنوان نماینده ایالات متحده در عراق تعیین شد. برمر «خصوصی سازی کامل شرکت های دولتی، حقوق کامل تملک شرکت های عراقی توسط شرکت های خارجی، حق خارج کردن تمام سود از عراق توسط شرکت های خارجی... باز کردن بانک های عراق به روی کنترل خارجی، رفتار یکسان با شرکت های خارجی... برداشتن تقریباً تمام موانع تجاری» [3] و همچنین گرفتن مالیات یکسان و ممنوعیت حق اعتصاب و تشکیل اتحادیه های کارگری را در رأس کار خود قرار داد. این فرامین باید توسط تمام حوزه های اقتصادی از جمله خدمات عمومی، رسانه، حمل و نقل، امور مالی و تولید اعمال می شد. برمر قوانین تضمین کننده بازار آزاد و تجارت آزاد را به گونه ای که به گفته ی خودش «دوام و مسیری پیدا کند که دگرگون کردن آن دشوار باشد» تحویل دولت موقت منصوب ایالت متحده، که تنها قدرت تایید و تصویب قوانین موجود را داشت، داد. «آن چه ایالات متحده آشکارا می کوشید با زور به عراق تحمیل کند، یک دستگاه دولتی با ماموریت اصلی تسهیل شرایط انباشت سرمایه سودآور از طریق سرمایه داخلی و سرمایه خارجی بود، این نوع دستگاه دولتی را «دولت نئولیبرال» می نامیم» [4]. سیاست های نئولیبرالی در عراق نیز مانند نمونه های پیشین خود نتیجه ای جز انباشت سود سرمایه داران به قیمت شوک های اقتصادی که میلیون ها نفر را در فقر روز افزون فرو می برد، نداشت .

پس از سال ها اجرای این دست سیاست ها و به دنبال اسفبار شدن هر چه بیشتر وضعیت معیشت در عراق، اعتراضاتی از اول ماه اکتبر توسط فعالان مدنی در رسانه های اجتماعی شروع شد. نکته قابل توجه در عراق و لبنان نقش محوری دانش آموزان و دانشگاهیان اعم از دانشجو و استاد است. اکثر دانشگاهیان در این کشورها همپای مطالبات جامعه حرکت می کنند، بطوری که بیش از یک ماه است در تحصن و اعتراض به سر می برند، کلاس های درس را با فریاد «سوگند، سوگند، بغداد به کلاس های درس باز نخواهد گشت» تعطیل کرده و از فضای دانشگاه تنها برای سازماندهی اعتراضات خود استفاده می کنند. معترضان از ساختارهای سیاسی و اقتصادی که امکان معیشت را از آنان ربوده است، بریده اند و خواهان پایان نظام فرقه گرا، فاسد و شبه نظامی در کشورشان هستند. شعارها در هفته های اول اعتراضات، 16 سال فساد، بیکاری و خدمات عمومی ناکافی را هدف قرار می داد. اما پس از سرکوب وحشیانه حکومت با وجود استعفای عادل المهدی نخست وزیر عراق، اعتراضات متوقف نشد و مردم با بستن راه ها و تجمعات گسترده شعار «کنار رفتن و محاکمه همه افراد فاسد» را سردادند و خواستار سقوط کامل رژیم و تغییر قانون اساسی و مناسبات خارجی و استقلال عراق شدند.

سه: تلاقی بیم و امید

هدا علا پزشک 30 ساله، از معترضان بغداد در مصاحبه ای می گوید: «ما به شوخی گاز اشک آور را گاز خنده آور می نامیم. ما همچنین ساختمان رستوران ترکی را که اکنون به وسیله معترضان اشغال شده، به یاد یکی از جنگ های صدر اسلام، کوه احد نام گذاری کردیم. این یک کمدی سیاه است. ما هر چیزی را به

شوخی می‌گیریم. من در روز اول می‌ترسیدم، روی زمین می‌نشستم و در میان دستانم گریه می‌کردم، در چنین شرایطی تازه وارد بودم. نیروهای دولتی در میدان هیچ کاری نمی‌کنند) اشاره به خلع صلاح شدن نیروهای ارتش و پلیس فدرال و منع مداخله‌ی این دو نیروی دولتی در اقدامات پلیس ضد شورش و یا به گفته هدا علا «شبه نظامیان» (آن‌ها به دلیل شلیک گاز اشک‌آور با ما اشک می‌ریزند. و در عزای ما شریک می‌شوند... ما از خشونت لطیفه می‌سازیم... میدان تحریر خودش اکنون دولت است، دیگر هیچ‌یک از سیاستمداران آدم حساب نمی‌شوند، ما مرز ترس را شکستیم، اکنون بدون ترس با پرچم در خیابان‌ها قدم می‌زنیم. در ابتدا نمی‌دانستم چگونه به آن میدان بروم. من زندگی خود را صرف رفتن به محل کار و دانشگاه کرده بودم و تقریباً هیچ اطلاعی از محله‌های بغداد نداشتم... من 30 ساله هستم و این نخستین بار است که عراق را متحد و زیبا دیده‌ام. همه چیز زیباست جز دولت [5].»

آصف بیات در سخنرانی درباره کتاب انقلاب بدون انقلابیون به این تجربه‌ی مهم هدا و میلیون‌ها معترض دیگر در گوشه کنار جهان اشاره دقیقی می‌کند، او می‌گوید: «خود رخداد (به معنای بدیویی) انقلاب، اگر حتی در سطح نهادی به جایی نرسد، بازهم بسیار مهم است، زیرا فکر جدیدی و سوبژکتیویته‌ی جدیدی در بین آدم‌ها می‌آفریند» بیات به درستی به این مسئله اشاره می‌کند که حتی اگر این فرایندهای اعتراضی منجر به تحقق شعارها و حقوق مطالبه شده نگردد، مردمی که پیشتر خیابان تنها مسیر عبوری برای آن‌ها بود و هم‌وطن نسبت آنچنان نزدیکی با آنان نداشت، وقتی دست در دست یک‌دیگر خیره به خشونت و سرکوب‌گریان نگرستانند و نیروی قاهر حاکمیت را به عقب راندند و یا حتی در خانه نشستند و با اخبار کشته‌شدگان و زندانیان سر کردند، فکر و زندگی‌شان دگرگون می‌شود. «نقش این لحظه در ایجاد یک تصور جدید نسبت به آینده، قدرت و رابطه‌ی سلسه مراتبی بسیار اساسی است. [6].»

یادداشت‌ها :

[1] امید مهرگان، مقاله: صندوق بین‌المللی پول و اعتراضات

[2] رجوع شود به گاهنامه علمی-تخصصی سره، شماره هفدهم، آبان 1398

[3] هاروی، دوید (1397) تاریخ مختصر نئولیبرالیسم، ترجمه محمد عبدالله زاده، نشر اختران

[4] هاروی، دوید (1397) تاریخ مختصر نئولیبرالیسم، ترجمه محمد عبدالله زاده، نشر اختران

[5] وبگاه (al-fanarmedia) گاهنامه سیاسی صنفی هلا، شماره اول، مقاله: فریاد معترضان جوان در

عراق، ترجمه علی راغب)

[6] وبگاه pecritique.com